

سرگذشت قوم عاد

حضرت هود(ع) اولین پیامبر پس از نوح(ع) است. خداوند در قرآن، او را فردی تلاش گر، در راستای دعوت به حق و مبارزه علیه بت پرستی معرفی می کند.



حضرت هود(ع) اولین پیامبر پس از نوح(ع) است. خداوند در قرآن، او را فردی تلاش گر، در راستای دعوت به حق و مبارزه علیه بت پرستی معرفی می کند. قوم او، به نام عاد؛ معروفند. آن ها از انسان های ما قبل تاریخ و عرب بودند. در جزیره العرب زندگی می کردند. در تاریخ و تورات موجود، از زندگی آنان مطلبی قابل اعتماد، ثبت نشده است. در قرآن آن چه آمده، این است؛ ... نام قوم عاد؛ 171؛ است. گاهی آن ها را عاد نخستین؛ نامیده است. زیرا قوم دومی هم به نام عاد؛ وجود داشته اند که، پس از قوم نوح، در احقاف؛ واقع در جزیره العرب سکونت داشته اند. (1)

قوم هود به لحاظ نیروی بدنی، کم نظیر بوده اند. افرادی مترقی، دارای ساختمان های مجلل، زمین های حاصل خیز و نخلستان های قابل توجه بودند. خداوند می فرماید: ... آیا ندیدی که پروردگارت با قوم عاد و با شهر با عظمت عاد؛ که همانندش در شهرها آفریده نشده بود، چه کرد؟. (2)

خداوند، حضرت هود(ع) را برای هدایت آن ها فرستاد. حضرت هود(ع) گفت: ... خدا را بپرستید. معبودی جز او نیست. شما فقط تهمت می زنید و بت ها را شریک او می خوانید. ای قوم من، من از شما برای این (رسالت) پاداشی نمی طلبم. پاداش من تنها بر کسی است که مرا آفریده است. آیا نمی فهمید؟! ای قوم من، از پروردگارتان طلب آموزش کنید و به سوی او باز گردید تا باران را پی پی بر شما بفرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید و گنه کارانه، از حق روی برنتابید. (3)

آنان به هود گفتند: تو می خواهی، ما را از عبادت بت ها باز داری، در حالی که پدران و اجداد ما بدان وابسته بودند. تو هیچ دلیلی بر اثبات ادعای خودت برای ما نیاورده ای. ما هرگز با سخنان تو، خدایانمان را ترک نمی گوئیم و به تو ایمان نمی آوریم. (4) ما معتقدیم که بعضی از خدایان ما به تو غضب کرده اند، و تو را گرفتار یک نوع بیماری روانی ساخته اند که این سخنان را بر زبان می رانی و ادعای پیامبری می کنی.

هود گفت: ای مردم، چرا تقوا پیشه نمی کنید؟. من از جانب خدا، پیامبری امین هستم. شما سابقه زندگی مرا می دانید. من هیچ گاه راه خلاف نرفته ام و هرگز دروغ نگفته ام. از خدا بترسید و سخن مرا بپذیرید. من از شما مزدی نمی خواهم. مزد من فقط با خداست.

از کارهای ناروا و بی منطق دست بردارید.

#8226؛ این قصرهای مجللی که به امید جاودان ماندن می سازید، چه معنایی دارد؟.

#8226؛ این بی رحمی ها و ستمگری هایی که در زندگی شما حاکم است، چه فایده ای دارد؟.

#8226؛ این ساختمان های بی فایده ای که بر فراز تپه ها می سازید و می خواهید که برای مردم، قدرت نمایی و تفاخر کنید، چیست؟.

ای مردم، از خشم خدا بپرهیزید. خداوندی که شما را از این همه نعمت، برخوردار فرموده است. خداوندی که هم سرمایه های مادی فراوان و هم نیروهای انسانی کارآمد، به شما بخشیده است. باغ های سبز و خرم و نهرهای پر آب به شما عطا کرده است. من از آن می ترسم که خداوند، شما را به عذابی دردناک گرفتار سازد و طومار زندگی شما را از روی زمین برچیند.

قوم هود گفتند: ای هود، اگر خدا می خواست پیامبری را، به سوی ما بفرستد، فرشته ای می فرستاد تا پیام او را به ما برساند. ما هرگز دعوت تو را قبول نخواهیم کرد. تو هم آن عذابی را که همواره ما را از آن می ترسانی، بیاور. ما را از عذاب خدای تو ترسی نیست. (5)

سرانجام، لجاجت قوم هود غضب الهی را به همراه داشت. قوم عاد با خشکسالی سختی مواجه شدند. آن ها پیوسته منتظر باران بودند. روزی برای نخستین بار، ابری را مشاهده نمودند. خوشحال شده و به یکدیگر می گفتند که این ابر، باران دارد. ولی حضرت هود(ع) فرمود: ... خیر، این ابر، همان عذابی است که خودتان خواسته بودید.

باد سردی و شدید، وزیدن گرفت. طوفانی بر پا شد. شن ها را بر سر و صورت قوم عاد می پاشید. مردم به درون خانه های محکمی که ساخته بودند، پناه بردند. طوفان، شدیدتر از آن بود که می پنداشتند. درخت ها از ریشه در می آمد. افراد را از جا می کند. کافران را به هوا می برد و بر زمین می کوبید. ساختمان ها را ویران و همه چیز را درهم می کوبید. غوغایی بر پا شد. همه چیز درهم ریخت. هیچ کس نمی دانست که باید چه بکند. هفت شبانه روز پی در پی، باد وزید. طومار زندگی، قوم گمراه درهم پیچیده شد. در آن احوال، حضرت هود(ع) و مؤمنان در شکاف کوهی به سر می بردند. در آن جا از طوفان، خبری نبود. نسیمی آرام می وزید. آنان، سرنوشت قوم را تماشا می کردند. بعد از آن، طوفان آرام شد. اوضاع، به حالت عادی بازگشت. از آن مردم، جز قطعات استخوان و خانه های خالی شان چیزی به جا نماند. (6)

چرا قوم هود، به عذاب گرفتار شدند؟

چون گناهی انجام دادند که مستحق عذاب شدند، آن گناه ها عبارت است از

1. شرك و بندگی غیر خدا

قوم هود، از پذیرش دعوت حقّ سرباز زدند و همواره به دنبال بندگی غیر خدا بودند. حضرت هود(ع) می باید، به آن ها تفهیم کند که همه عبادت ها، باید متوجه پیشگاه خدا شود و هیچ گاه بت پرستی نکنند. زیرا تنها اوست که سلطنتش دائمی و اراده اش نافذ است. به هر نحوی که بخواهد، امور را می گرداند. باید تنها از خدا درخواست نمود و یاری جست. دست نیاز به جانب او بلند کرد.

2. انکار آیات الهی و نافرمانی از اوامر پیامبران

با ظهور پیامبران و دعوت امت ها به یکتا پرستی، اغلب آنان، آیات خداوند را انکار نمودند. به دعوت پیامبران الهی اعتنایی نکردند. قوم هود هم این چنین بودند. قرآن در این باره می فرماید: ... قوم عاد، آیات پروردگارش را انکار کردند. پیامبران را معصیت نمودند. از فرمان هر ستمگر حقّ ستیزی، پیروی کردند. (7)

3. زدن اتهامات ناروا به حضرت هود(ع)

همیشه، پیامبران با اتهامات بی اساس امتهایشان مواجه بوده اند. مردم فرستادگان خداوند را تکذیب می کردند و دعوتشان را نمی پذیرفتند. حضرت هود(ع) هم با امتی لجوج، روبرو بوده است. اشراف کافر قوم عاد به او گفتند: ... ما تو را در نادانی می بینیم و مسلماً تو را از دروغگویان می دانیم. (8)

پی نوشت ها:

1-المیزان، ذیل آیات 50 - 60 سوره هود.

2-فجر 6 - 8.

3-هود 51 - 52.

4-همان، 53.

5-قصه های قرآن، ص 58، سید محمد صفی.

6-همان، ص 60.

7-هود، 59.

